

نقد گزارش: تحولات و وضعیت جمعیت در جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۶

محمدجواد محمودی^۱

جواد شجاعی^۲

چکیده

گزارش «تحولات و وضعیت جمعیت در جمهوری اسلامی ایران» از سوی موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور برای اولین بار در سال ۱۳۹۵ منتشر و طی مراحل متعددی مورد نقد و بررسی قرار گرفت، و مجدداً در سال ۱۳۹۶ منتشر شد. گزارش مذکور شامل هشت فصل است که تلاش دارد، در جهت افزایش کیفیت سیاستگذاری‌ها، روند تحولات جمعیتی کشور را در ابعاد مختلف تحلیل نماید. این بررسی به اختصار نشان می‌دهد که گزارش مذکور، دارای اشکالات علمی و محتوایی فراوان است. به همین دلیل، قابل اتکا نبوده و برای استفاده از آن در برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها باید جانب احتیاط را رعایت کرد.

واژگان کلیدی: نقد گزارش، تحولات جمعیت، وضعیت جمعیت، سیاستگذاری، ایران.

^۱ - دکترای اقتصاد

^۲ - دکترای جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران

مقدمه

ویرایش نخست گزارش با عنوان «بررسی تحولات و وضعیت جمعیت در جمهوری اسلامی ایران» اولین بار در بهار سال ۱۳۹۵ در ۱۱۵ صفحه با حمایت صندوق جمعیت سازمان ملل، انجمن جمعیت‌شناسی ایران و موسسه ملی تحقیقات سلامت، به صورت محدود به چاپ رسید.^۱ سپس گزارش مذکور مجدداً با عنوان «تحولات و وضعیت جمعیت در جمهوری اسلامی ایران» در دی ماه سال ۱۳۹۶ در ۲۰۵ صفحه از سوی موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور منتشر و بعد از رونمایی برای مقامات مسئول و تصمیم‌گیر کشور ارسال شد.

همانطور که در پیشگفتار می‌خوانیم، این گزارش «طی دو سال گذشته با همکاری تیم تحقیقاتی متشکل از جمعیت‌شناسان و اقتصاددانان تدوین شده است. چارچوب گزارش، ابتدا در جلسات مشورتی بررسی و نهایی گردید، و سپس محتوای آن که حاصل تحقیقات ارزشمند نویسندگان، با استفاده از داده‌های موجود است، تهیه و طی مراحل متعددی مورد نقد و بررسی قرار گرفت. نتایج اولیه گزارش، همزمان با روز ملی جمعیت، در سمینار مشترکی که توسط مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، مرکز بررسی‌های استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام و موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۵، برگزار شد، ارائه و مورد نقد و بررسی قرار گرفت، و سپس ویرایش نخست گزارش به صورت محدود به چاپ رسید و تقدیم صاحب‌نظران و سیاستگذاران جمعیتی شد. به منظور افزایش کیفیت گزارش، مطالب و فصول ویرایش اول برای ۲۶ نفر از جمعیت‌شناسان، اقتصاددانان و جامعه‌شناسان که در حوزه‌های مختلفی تخصص داشتند، ارسال و پس از دریافت نظرات و پیشنهادات آنها، مطالب هر فصل اصلاح شد.» با این حال، گزارش مذکور دارای اشتباهات و اغلاط متعدد است که در ادامه به مهمترین آنها اشاره می‌شود.

گزارش تحولات و وضعیت جمعیت در جمهوری اسلامی ایران، در هشت فصل سازماندهی شده است. به این صورت که در فصل اول، تحولات جمعیتی در بستر اقتصادی اجتماعی ایران بررسی می‌شود. فصل دوم به تحولات باروری و فرزندآوری و مسائل مرتبط با آن از جمله بی-فرزندگی و تک‌فرزندگی می‌پردازد. تحولات ازدواج و خانواده در فصل سوم مورد بررسی قرار می-

^۱ - در شناسنامه گزارش سال ۱۳۹۵، علناً به حمایت صندوق جمعیت سازمان ملل اشاره شده است. هر چند در انتهای بخش درباره نویسندگان تاکید شده است، که نتایج و یافته‌های ارائه شده در این گزارش نقطه نظرات نویسندگان می‌باشد و لزوماً بازتاب دیدگاه حامیان پروژه نیست.

گیرد و روند و الگوهای مرگ و میر و شاخص‌های سلامت در فصل چهارم ارائه می‌شود. فصل پنجم و ششم به ترتیب به جابجایی جمعیت در سطح ملی و بین‌المللی می‌پردازند. پس از آن در فصل هفتم، تغییر ساختار سنی و بویژه موضوع جوانی، پنجره جمعیتی و موضوع سالخوردگی بررسی و تحلیل می‌شوند. در نهایت رابطه جمعیت و محیط زیست، در فصل هشتم بررسی می‌شود.

با توجه به اینکه، توصیه شده‌است که «سیاست‌های اجرای جمعیت در کشور با توجه به یافته‌های گزارش فوق تدوین شود» ناقدان به عنوان مخاطبینی عام، حق خود دانستند که درباره این اثر نظرات انتقادی و اصلاحی خود را در قالب مقاله‌ای بیان کنند. بنابراین، انگیزه اصلی نقد این گزارش، اصلاح و بازبینی است که به نحوی بتوان بر مبنای آن اقدامات زیربنایی و مناسبی برای مواجهه با تحولات جمعیتی در کشور داشت. البته مسلم است که تهیه کنندگان گزارش، باید در موضوع جمعیت تخصص داشته باشند، اما ناقدان گزارش، لازم نیست که حتماً جمعیت‌شناس باشند و تنها آگاهی از مبانی علم جمعیت‌شناسی برای نقد کفایت می‌کند.

نقد کتب علمی و گزارش‌های تخصصی در مجامع علمی جهان، یک امر پذیرفته‌شده و مرسوم است که می‌تواند، منجر به ارتقاء کیفی منابع علمی و تحقیقاتی شود. هر چند که در ایران، اینگونه نقد نویسی را غالباً برنمی‌تابند و جایگاه رفیع نقد را در حد خصومت شخصی تنزل داده و نقد را به کینه و عداوت تفسیر و آن را توطئه‌ای در جهت تضعیف موقعیت تلقی می‌کنند. اما این نوع نگاه که می‌تواند ناشی از فضای انحصارگرایانه دانشگاهی باشد، نباید مانع از نقد نویسی شود. چرا که نقد با نشان دادن نواقص و کاستی‌های یک اثر علمی، می‌تواند در بهبود فضای علمی کشور نقش سازنده ایفا کند.

البته نقادی صرفاً به معنای عیب گرفتن و بیان نقاط ضعف نیست، بلکه در نقد کتاب یا گزارش، باید به نقاط قوت اثر هم اشاره‌ای شود. بر این اساس، لازم است در ابتدا به چند مزیت گزارش پرداخته شود. یکی از نقاط قوت گزارش، آن است که تلاش نموده، روند تحولات جمعیتی و تحلیل ابعاد مختلف پویایی جمعیت در کشور را در تصویری جامع ارائه نماید، تا کیفیت سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و فرهنگی در کشور افزایش یابد. از دیگر نکات مثبت، اینکه محتوای گزارش، حاصل تحقیقات ارزشمند نویسندگان با استفاده از داده‌های موجود است، تا شناخت دقیق‌تری از مسائل سیاستی در این حوزه حاصل شود. همچنین، یکی از نکاتی که می‌توانست به عنوان مزیت این گزارش در نظر گرفته شود، «همکاری و مشارکت

حدود ۴۰ نفر^۱ از متخصصین جمعیت‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، بهداشت و محیط زیست و با همفکری و حمایت معنوی مراکز علمی پژوهشی از جمله دانشگاه تهران، انجمن جمعیت‌شناسی ایران و موسسه ملی تحقیقات سلامت» به انجام رسیده‌است. با این حال؛ گزارش دارای اشکالات علمی، محتوایی و شکلی است که این مقاله، در مجالی اندک به بخشی از مشکلات موجود و تعارض درونی فصول مختلف با یکدیگر و تعارض آنها با سیاست‌های کلی جمعیت، که نشانه عدم انسجام درونی گزارش می‌باشد، به تفکیک فصول پرداخته و هر جا که نیاز می‌بود به گزارش سال ۱۳۹۵ نیز اشاره می‌شود.

نقد و ارزیابی

قبل از ورود به بررسی و نقد گزارش به تفکیک فصول، آنچه نظر مخاطب را در آغاز به خود جلب می‌کند، شناسنامه گزارش است. در شناسنامه گزارش، نام صحیح موسسه از سوی تهیه‌کنندگان چندان اهمیت نداشته است. در این صفحه هم از عنوان «موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور» و هم از عنوان «موسسه مطالعات جمعیتی کشور» استفاده شده‌است. باید توجه داشت که «مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه» در سال ۱۳۹۲ به «موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور» تبدیل و تغییر نام یافت. آیا واقعاً رعایت این نکات در گزارشی که برای عالی‌ترین مقامات نظام جمهوری اسلامی ایران ارسال می‌شود، الزامی نیست؟

نکته قابل توجه دیگر، صفحه آغازین گزارش است، که با متن سیاست‌های کلی جمعیت مزین شده است. اما مواردی از تعارض با سیاست‌های کلی جمعیت، در این گزارش به چشم می‌خورد. برای نمونه در «پیش درآمد» گزارش اشاره شده است که «عدم شناخت درست تحولات جمعیتی و نگرش تک بعدی به این تحولات موجب ارائه طرح‌ها و برنامه‌های جمعیتی بصورت ناقص و یا شتابزده، می‌شود که در صورت اجرا نه تنها مفید و موثر نخواهد بود، بلکه گاه به فجایی غیرقابل جبران منتهی می‌شود»

در این مورد باید یادآور شد، که سیاست‌های کلی جمعیت، طی چند سال کار کارشناسی، در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و با همکاری متخصصان موضوعی از جمله جمعیت-

^۱ - در ابتدای گزارش در بخشی با عنوان «درباره نویسندگان» به اسامی ۱۶ نویسنده، ۱۱ داور کل گزارش و ۱۵ داور فصول گزارش اشاره شده است. همچنین در نامه ارسال گزارش برای مسئولین به همکاری حدود ۴۰ نفر اشاره شده‌است. البته تعدادی از افراد نامبرده، در تماس با نویسندگان این نقد و بررسی منکر همکاری و مشارکت فعال در تهیه گزارش مذکور شدند.

شناسان در مجمع تشخیص مصلحت نظام، تهیه و مراحل تصویب خود را طی کرده است. همچنین، یکی از تهیه‌کنندگان گزارش در مصاحبه‌ای^۱ اظهار کرده بود که «سیاست‌های کلی جمعیت که از طرف رهبر معظم انقلاب ابلاغ شده‌است، بهترین و جامع‌ترین راهگشای معضل‌های جمعیتی است؛ زیرا تمامی جوانب و زیرساخت‌ها را به شکلی علمی و مطابق با شرایط کشور سنجیده است. این سیاست‌ها، سیاست‌های جامع و کاملی است که جنبه‌های مختلف جمعیتی را به طور کامل و یکجا در نظر گرفته است. روح حاکم بر سیاست‌های ابلاغی، در نظر گرفتن کمیّت و کیفیت، همزمان با هم است». حال باید دید، که چه اتفاقی افتاده است که این سیاست‌ها، شتابزده و ... تلقی می‌شود.

فصل اول: تحولات جمعیتی در بستر اقتصادی اجتماعی ایران

۱- در انتهای صفحه ۱۲ گزارش، همانطور که در تصویر زیر^۲ مشخص است، معنی جمله «به حدود ۸۰ میلیون نفر را ۷۹،۲۷۰/۹۲۶ نفر افزایش یافت» نامفهوم است و باید اصلاح شود.

ایران (۱۳۹۰). نتایج اولیه سرشماری ۱۳۹۵، تعداد جمعیت ایران با رشد ۱/۲۴ درصد طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۰ به حدود ۸۰ میلیون نفر را ۷۹،۲۷۰/۹۲۶ نفر افزایش یافت. بر این اساس تعداد جمعیت ایران در کمتر از یک قرن حدود ۸ برابر شده است.

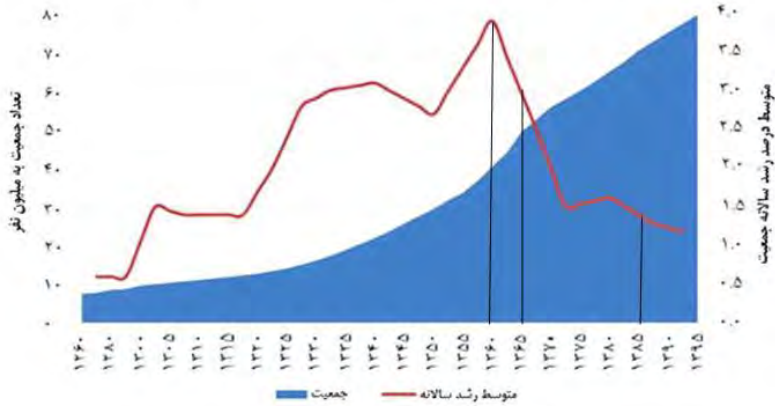
۲- در صفحه ۱۳ گزارش - همانطور که در نمودار ۱-۱ مشاهده می‌شود- خط روند ترسیم شده برای رشد سالانه جمعیت با آمارهای اعلام شده توسط مرکز آمار ایران و آنچه در متن گزارش آمده است، مطابقت ندارد. برای نمونه نرخ رشد جمعیت در سال ۱۳۸۵ کمتر از ۱،۵ درصد و در سال ۱۳۶۵ حدود ۳ درصد نشان داده شده است. در حالیکه نرخ رشد جمعیت ایران در سال ۱۳۸۵ برابر ۱،۶۱ درصد و در سال ۱۳۶۵ همانطور که در گزارش نیز آمده است، ۳،۹ درصد می‌باشد. بنابراین، از هدف ترسیم نمودار دور شده است.

۱ - خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) اجرای «سیاست‌های کلی جمعیت؛ راه حل چالش‌های جمعیتی» مورخ ۱۳۹۳/۷/۶.

۲ - از آنجایی که ممکن است، برخی از خوانندگان به متن چاپ شده گزارش تحولات و وضعیت جمعیت در جمهوری اسلامی ایران، دسترسی نداشته باشند، برش‌هایی از گزارش در متن مقاله گنجانده شده است.

تحولات جمعیتی در بستر اقتصادی- اجتماعی ایران □ ۱۳

نمودار ۱-۱. روند تحولات تعداد و درصد متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت ایران، ۱۳۹۵-۱۳۶۰ هـ



ممکن است، ادعا شود که نمودار فوق بر حسب میانگین دوره رسم شده است. اما همانطور که در نمودار مرکز آمار ایران، در زیر مشاهده می‌شود، چنین رویکردی در ترسیم رشد جمعیت دنبال نشده است.

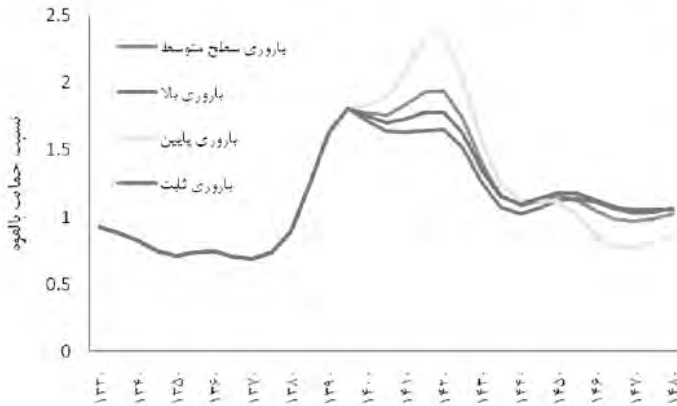


درصد متوسط رشد سالانه جمعیت: ۱۳۳۵-۱۳۹۵



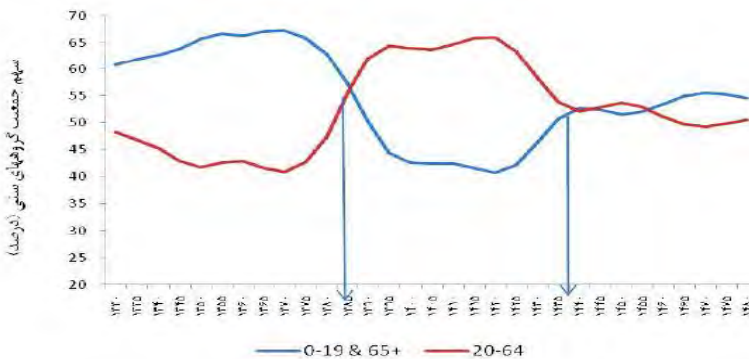
۳- در صفحه ۱۴ گزارش آمده است: «پیش‌بینی‌های جمعیتی برای دوره زمانی بیش از یک دهه قطعی نیست» با این حال تهیه‌کنندگان گزارش به کرات از پیش‌بینی‌های بلندمدت استفاده می‌کنند. برای نمونه در صفحه ۱۴۶ در نمودار ۷-۲ روند تغییرات تا سال ۱۴۸۰ پیش‌بینی شده است.

نمودار ۷-۲. روند تغییرات نسبت حمایت بالقوه: گذار سنی جمعیت ایران، ۱۴۸۰-۱۳۳۰



منبع: بر اساس نتایج پیش‌بینی جمعیت در چشم‌انداز جمعیت جهان، ۲۰۱۵

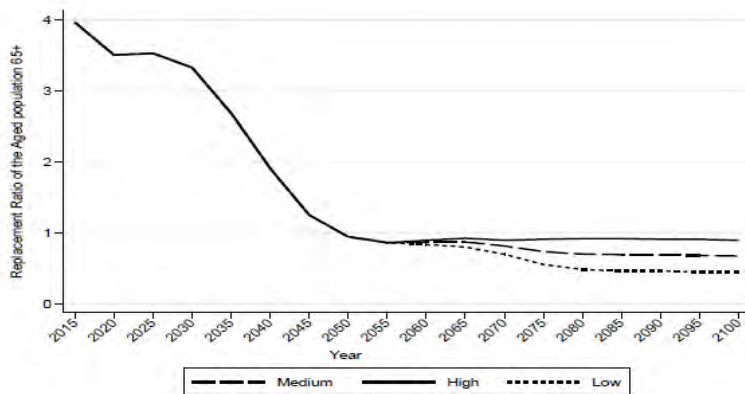
در صفحه ۱۴۹ و در نمودار ۷-۴ نیز نسبت جمعیت گروه‌های سنی را تا سال ۱۴۸۰ نشان می‌دهد.



منبع: بر اساس نتایج پیش‌بینی جمعیت در چشم‌انداز جمعیت جهان، ۲۰۱۵

و در صفحه ۱۵۴ و در نمودار ۷-۷ پیش‌بینی ضریب جانشینی تا سال ۲۱۰۰ نشان داده می‌شود.

نمودار ۷-۷. ضریب جانشینی جمعیت سالمند +۶۵، طی ۱۳۹۵-۱۴۸۰



منبع: چشم‌انداز جمعیت جهان (UNDESA)، ۲۰۱۵

۴- در صفحه ۱۵ گزارش و در جدول ۱-۱ به سه فرض مختلف باروری به نقل از مرکز آمار ایران اشاره شده است.

جدول ۱-۱. برآورد تعداد جمعیت کل کشور با سه فرض پیش‌بینی: ۱۳۹۰-۱۴۳۰

فرض باروری			سال
۲/۵	۲/۱	۱/۸	
برآورد تعداد جمعیت			
۷۵/۱	۷۵/۱	۷۵/۱	۱۳۹۰
۹۷/۸	۷۹/۷	۷۹/۶	۱۳۹۵
۸۴/۱	۸۳/۷	۸۳/۴	۱۴۰۰
۸۷/۹	۸۷/۱	۸۶/۴	۱۴۰۵
۹۱/۳	۸۹/۹	۸۸/۸	۱۴۱۰
۹۴/۶	۹۲/۶	۹۰/۸	۱۴۱۵
۹۸/۰	۹۵/۰	۹۲/۴	۱۴۲۰
۱۰۱/۲	۹۷/۰	۹۳/۴	۱۴۲۵
۱۰۴/۱	۹۸/۴	۹۳/۵	۱۴۳۰

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۳

در مراجعه به ماخذ اصلی^۱ که در (جدول ۲-۱) زیر مشاهده می‌شود، دو نکته حائز اهمیت است. نخست اینکه؛ در ماخذ اصلی (مرکز آمار ایران) چهار فرض برای باروری مشاهده می‌شود. ۱- فرض ادامه کاهش میزان باروری کل ۲- فرض تثبیت میزان باروری کل ۳- فرض مربوط به افزایش میزان باروری کل به سطح جانشینی (۲,۱ فرزند) و ۴- فرض سطح بالاتر از جانشینی

(۲,۵ فرزند). در حالیکه یکی از فروض باروری (ادامه کاهش میزان باروری کل ۱,۳ فرزند) از گزارش حذف شده است. از تهیه‌کنندگان یک گزارش علمی انتظار می‌رود که در انتقال مطلب از مرکز آمار ایران، حوصله لازم را داشته باشند و تمام سناریوها و فروض را عیناً در گزارش ذکر و به مخاطبان اطلاع رسانی صادقانه داشته باشند. حال سوال این است که چرا فرض اول (فرض ادامه کاهش میزان باروری کل) در گزارش مذکور حذف شده است؟

۲-۱- برآورد تعداد جمعیت کل کشور با چهار فرض پیش‌بینی: ۱۴۲۰-۱۳۹۰

فرض افزایش میزان باروری کل		فرض تثبیت میزان باروری کل (۱/۸ فرزند)	فرض ادامه کاهش میزان باروری کل (۱/۳ فرزند)	شرح
سطح بالاتر از سطح جانشینی (۲/۵ فرزند)	سطح جانشینی (۲/۱ فرزند)			
۷۵/۱	۷۵/۱	۷۵/۱	۷۵/۱	۱۳۹۰
۹۷/۸	۷۹/۷	۷۹/۶	۷۹/۴	۱۳۹۵
۸۲/۱	۸۳/۷	۸۳/۴	۸۳/۰	۱۴۰۰
۸۷/۹	۸۷/۱	۸۶/۴	۸۵/۵	۱۴۰۵
۹۱/۳	۸۹/۹	۸۸/۸	۸۷/۳	۱۴۱۰
۹۴/۶	۹۲/۶	۹۰/۸	۸۸/۵	۱۴۱۵
۹۸/۰	۹۵/۰	۹۲/۴	۸۹/۱	۱۴۲۰
۱۰-۱۲۳	۹۷/۰	۹۳/۴	۸۸/۹	۱۴۲۵
۱۰-۲/۱	۹۸/۴	۹۳/۵	۸۷/۶	۱۴۳۰

دوم اینکه؛ مرکز آمار ایران در فرض باروری ۲,۵ فرزند به ازای هر زن (ستون آخر) جمعیت ایران را برای سال ۱۳۹۵ به اشتباه ۹۷,۸ میلیون نفر اعلام نموده است. می‌دانیم که جمعیت ایران در سال ۱۳۹۵ حدود ۷۹,۹ میلیون نفر است. حال، چطور تهیه‌کنندگان گزارش در انتقال مطالب دقت لازم را نداشته و متوجه خطای مرکز آمار نشده و برای بار سوم^۲ که به مسئولان نظام گزارش می‌دهند، این اشتباه را تکرار کرده‌اند.

^۱ - رصد سیاستهای کلی جمعیت از نگاه آمار ۱۳۹۳

^۲ - یادآوری می‌شود که این اشتباه در صفحه ۲۱ گزارش سال ۱۳۹۴ و در صفحه ۱۰ گزارش سال ۱۳۹۵ ملاحظه می‌شود.

۵- در صفحه ۱۵ گزارش از ساختار سنی جمعیت جوان به عنوان یکی از ویژگی‌های جمعیتی ایران نام برده شده و عبارت «با توجه به ساختار سنی جوان جمعیت» بکار رفته است. همچنین در صفحه ۲۸ جمله «هنوز نسبت جمعیت جوان در ساختار سنی جمعیت قابل توجه بوده» به چشم می‌خورد که نشان دهنده این است که تهیه کنندگان، ایران را (در زمان تهیه گزارش) دارای ساختار جمعیتی جوان می‌دانند. همچنین در صفحه ۱۲ با ارجاع به میرزایی و همکاران (۱۳۸۲ و ۱۳۸۵) آمده است: «هنوز نسبت جمعیت جوان در ساختار سنی جمعیت قابل توجه بوده و در دهه آینده موج و تورم جمعیتی به میانسالی سوق پیدا می‌کند»

باید توجه داشت که دکتر میرزایی و همکاران این پیش‌بینی را بیش از یک دهه پیش و در سال ۱۳۸۲ برای ترسیم وضعیت امروز ایران انجام داده‌اند. یعنی ایران هم‌اکنون در مرحله میانسالی قرار دارد. در حالی که این گزارش با استناد به مطالعه میرزایی و همکاران که بیش از یک دهه قبل انجام شده است، نتیجه می‌گیرد که ما یک دهه دیگر به میانسالی خواهیم رسید. بنابراین، در حال حاضر جوان هستیم.

این در حالی است که شاخص میانه سنی ایران هم‌اکنون بالای ۳۰ سال است (سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۵: ۱۷۷) و بر اساس طبقه‌بندی شرایاک و سیگل جمعیتی که میانه سنی آن بین ۲۰ تا ۳۰ سال باشد، میانسال و جمعیتی که میانه سنی آن ۳۰ سال و بالاتر باشد، سالمند به حساب می‌آید. (Shryock & Siegel, 1971:234)

افزون بر این، طبق آزمون ورتهایم، چنانچه جمعیت زیر ۱۵ سال برای یک کشور بیش از ۴۰ درصد باشد، جمعیت آن کشور جوان اطلاق می‌شود. (کاظمی پور، ۱۳۸۸: ۳۶ و ۳۷) این آزمون که برای سنجش جوانی جمعیت به کار می‌رود، نشانگر آن است که سهم جمعیت زیر ۱۵ سال طی سالهای اخیر به شدت کاهش یافته و از حدود ۴۶ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۲۴ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. (گزیده نتایج سرشماری ۱۳۹۵: ۳۷) حال که شاخص جوانی جمعیت کشور در این حد کاهش یافته است، چرا باید همچنان جمعیت ایران را جمعیتی جوان قلمداد نمود؟ از همه مهمتر تهیه‌کنندگان فصل هفتم در صفحه ۱۴۳ گزارش، هرم سنی سال ۱۳۹۵ را مصداق و نشان‌دهنده ورود به دوره میانسالی می‌دانند. در صفحه ۹۰ گزارش نیز که به وضعیت مرگ‌ومیر و سلامت ایران می‌پردازد، به صراحت آمده است که «... ساختار سنی جمعیت کشور به سرعت رو به سالخوردگی دارد»

۶- در جدول ۱-۴ صفحه ۲۳ گزارش، اشکالاتی به شرح زیر ملاحظه می‌شود. در عنوان جدول «سطح تحصیلات در سال ۱۳۹۵» به چشم می‌خورد. در حالیکه در جدول فقط به

تحصیل کرده آموزش عالی (۱۳۹۴) اشاره شده است. همچنین، باید یادآور شد که آمارهای مربوط به تحصیل کرده آموزش عالی نیز با آمارهای مرکز آمار همخوانی ندارد. در ضمن اگر نرخ بیکاری مردان تحصیل کرده آموزش عالی ۱۱ درصد باشد، باید پرسید که مشکل کجاست؟ این نرخ که کمتر از نرخ بیکاری کل کشور (۱۲,۴ درصد) است.

تحولات جمعیتی در بستر اقتصادی- اجتماعی ایران □ ۲۳

جدول ۱-۴. نرخ بیکاری کشور بر حسب جنس منطقه و سطح تحصیلات در سال ۱۳۹۵

شرح	کل درصد	مرد	زن	شهری روستایی	۲۴-۱۵	تحصیل کرده آموزش عالی (۱۳۹۴)
نرخ بیکاری	۱۲/۴	۱۰/۵	۲۰/۷	۱۳/۷	۸/۹	۲۹/۲
		۱۱				
		۲۳/۴				

ماخذ: محاسبه بر اساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در سال ۱۳۹۴ و سرشماری سال ۱۳۹۵

نکته دیگر اینکه در ماخذ جدول واژه «محاسبه» بکار رفته است، در حالی که به نظر می‌رسد اصلاً محاسبه‌ای در کار نبوده و این آمارها عیناً از «نتایج طرح آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۹۵» گرفته شده است. همچنین در ماخذ جدول ذکر شده که این جدول بر اساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۹۴ محاسبه شده است، در حالی که این نتایج مربوط به طرح آمارگیری نیروی کار در سال ۱۳۹۵ می‌باشد. افزون بر این، در همین صفحه اشاره شده است که جدول ۱-۵ بیانگر میزان بیکاری بر حسب گروه‌های جنسی و سنی در سرشماری سال ۱۳۹۰ می‌باشد. در حالی که در عنوان و ماخذ جدول به سرشماری ۱۳۹۵ اشاره شده است. بنابراین، طرح آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۹۴ و سرشماری سال ۱۳۹۵ هیچ کدام ماخذ جدول ۱-۵ نمی‌باشد و طرح آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۹۵ ماخذ جدول است. همچنین میزان بیکاری گروه سنی ۱۵-۲۹ مردان ۲۱,۴ درصد می‌باشد، که در جدول ۲۱ درصد درج شده است.

جدول ۵-۱ بیانگر میزان بیکاری (تعداد بیکاران تقسیم بر جمعیت فعال) جوانان ۱۵-۲۹ ساله بر حسب جنس و گروه‌های سنی در سرشماری ۱۳۹۰ می‌باشد. بالاترین میزان بیکاری در گروه سنی ۲۴-۱۵ سال برای زنان (۴۴/۲ درصد) و مردان (۲۵/۴) مشاهده شده است. پس از آن میزان بیکاری در گروه سنی ۲۹-۱۵ ساله برای زنان حدود ۴۲/۳ درصد و برای مردان حدود ۲۱ درصد بوده است. در مجموع حدود ۲۵/۹ درصد جوانان ۱۵-۲۹ ساله بیکار بوده‌اند. این میزان همواره دو برابر نرخ بیکاری متوسط کل کشور می‌باشد. لذا می‌توان گفت که جهت گیری دولت در سطح کلان برای کاهش نرخ بیکاری باید فراهم سازی فرصت‌های شغلی و کاهش بیکاری گروه سنی جوانان باشد.

جدول ۵-۱. درصد بیکاری جوانان ۱۵-۲۹ ساله بر حسب جنس و گروه سنی، سرشماری ۱۳۹۵

گروه سنی	کل	مرد	زن
۱۵-۲۴	۲۹/۲	۲۵/۴	۴۴/۲
۱۵-۲۹	۲۵/۹	۲۱	۴۲/۳

مأخذ: محاسبه بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵

۷- در صفحه ۲۲ مطرح شده‌است که «در سالهای اخیر، کاهش نرخ بیکاری در اقتصاد ایران به دلیل اشتغالزایی بیشتر نبوده است» در حالی که دولت اعلام نموده که در سال ۱۳۹۵ حدود ۶۵۰ هزار شغل ایجاد شده است.^۱

فصل دوم: تحولات باروری و فرزندآوری در ایران

۸- در پاراگراف آخر صفحه ۳۴ گزارش ادعا شده «برخی از گزارش‌ها با استناد به سرعت کاهش باروری که در دهه ۷۰ تجربه شد، سطح باروری را پایین‌تر از حد واقعی اعلام کردند. به عنوان مثال باروری کل در سال ۱۳۹۰ را در سطح خیلی پایین یعنی حدود ۱,۵ فرزند برآورد نموده‌اند». این پاراگراف که در صفحه ۲۱ گزارش سال ۱۳۹۵ نیز مطرح شده، وانمود می‌کند که موافقین افزایش رشد جمعیت برای تبیین نظرات خود، نرخ باروری را کمتر از حد واقعی و بدون هیچ گونه مستندی برآورد کرده‌اند. در این مورد دو نکته قابل توجه است. نخست؛ همانطور که در جدول زیر قابل مشاهده‌است، این برآورد از سوی مرکز آمار ایران انجام گرفته و میزان باروری کل برای سال ۱۳۹۰ برابر ۱,۵ فرزند به ازاء هر زن برآورد شده- است. (مرکز آمار ایران ۱۳۹۳: ۱۴)

^۱ - خبرگزاری تسنیم «در شش ماهه امسال ۶۵۰ هزار شغل ایجاد کردیم» ۱۳۹۶/۹/۲۰

جدول ۹- برآورد میزان باروری کل با روش پالمور، سال های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

TFR	سال
۱,۵۰	۱۳۹۰
۱,۵۷	۱۳۸۵

دیگر اینکه؛ میزان باروری ایران در سال ۱۳۹۰ با استفاده از داده‌های سرشماری و به روش مستقیم^۱ برابر ۱,۶۱ فرزند به ازای یک زن برآورد شده‌است (عرفانی، ۱۳۹۲: ۹۴) شایان ذکر است که در آخرین برآورد بخش جمعیت سازمان ملل (۲۰۱۷) میزان باروری کل ایران برای سال ۱۳۹۵-۱۳۹۰ برابر ۱,۶۲ برآورد شده‌است. (United Nations; 2017:34)

۹- در صفحه ۴۸ گزارش آمده است که «...به دلیل ساختار جوان جمعیتی و حضور نسل متولدین دهه ۱۳۶۰ در سنین باروری، در سالهای آینده تعداد موالید، هر چند رو به کاهش، ولی همچنان رشد مثبت جمعیت را تضمین خواهد کرد». در حالیکه در صفحه ۲ گزارش در بخش خلاصه مدیریتی اینگونه آمده است که «... به دلیل ساختار جوان جمعیتی ورود نسل متولدین دوره انفجار موالید (دهه ۱۳۶۰) به سنین باروری کشور تا مدتی با افزایش تعداد موالید روبه‌رو خواهد شد...» بنابراین، اگر قرار باشد سیاستگذار از این گزارش برای سیاستگذاری استفاده نماید در مواجهه با این جملات متناقض، تشخیص نمی‌دهد که کشور در سالهای آینده با کاهش موالید مواجه خواهد شد یا با افزایش آن، چرا که هر یک از این گزاره‌ها سیاست خاص خود را می‌طلبد. باید توجه داشت که برخلاف گزاره دوم، پس از سال ۱۳۹۴ تعداد تولدها با شیب تقریباً تندی شروع به کاهش نموده‌است.

در صفحه ۳۱ گزارش سال ۱۳۹۵ نیز برخلاف مطالعات قبلی‌شان، اینگونه آمده‌است: «کشور به احتمال زیاد در دهه آینده با افزایش تعداد موالید روبرو خواهد شد». این در حالی است که روند افزایشی رشد تولدها در چند سال گذشته، متوقف شده و مطابق آمارهای سازمان

^۱ - روش‌های غیرمستقیم در مواقعی استفاده می‌شود که آمارهای ثبتی به روزی در دسترس نباشد و یا در سالهای دور از مقطع سرشماری قرار داشته باشیم. با توجه به پوشش کامل ثبت وقایع حیاتی بخصوص در مورد تولدها استفاده از روش مستقیم بر روشهای غیرمستقیم ارجح است. حتی اگر داده‌های سرشماری چند درصدی هم خطا داشته باشد، با اصلاح خطای داده‌های سرشماری می‌توان برآورد مستقیم دقیقی از میزان باروری داشت.

ثبت احوال، درصد تغییر تعداد متولدین در دو سال گذشته از رشد منفی برخوردار بوده است. بنابراین برخلاف ادعای مطرح شده، پیش‌بینی می‌شود در سالهای آینده رشد متولدین روند کاهشی را ادامه دهد.

فصل سوم: تحولات ازدواج و خانواده در ایران

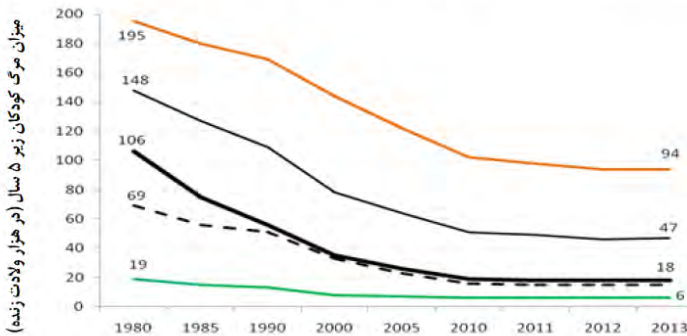
۱۰- همانطور که اشاره شد، گزارش در دی ماه سال ۱۳۹۶ رونمایی شده است، اما اکثر آمارهای این فصل مربوط به سال ۱۳۹۰ است. برای نمونه نمودار ۱-۳ و ۲-۳ و ۳-۳ و ۴-۳ و ۹-۳ با آمارهای سال ۱۳۹۰ ترسیم شده‌اند. در حالی که از چنین گزارشی انتظار می‌رود که شامل تازه‌ترین آمارهای جمعیتی باشد.

۱۱- تهیه کنندگان گزارش در صفحه ۷۰ در مورد الزامات سیاستی خانواده آورده‌اند: «موارد مورد تاکید در سیاست های کلی جمعیت می‌تواند زمینه‌ای برای تدوین برنامه یا سند خانواده را فراهم آورده و از این طریق به بهبود وضعیت خانواده در کشور کمک کند». همچنین در ادامه آمده است «لازم است قوانین و نیز سیاستها و برنامه‌هایی که با هدف مداخله در این حوزه طراحی می‌گردند، پس از بررسی‌های علمی جامع جهت شناسایی ابعاد مختلف مسائل حوزه خانواده تدوین گردند..» باید یادآور شد که سیاستهای کلی خانواده در شهریور ماه سال ۱۳۹۵ ابلاغ شده است. افزون بر آن، برنامه جامع تحکیم و تعالی خانواده نیز تصویب و توسط ستاد ملی زن و خانواده و معاونت رئیس جمهور در امور زنان و خانواده تقسیم کار ملی نیز شده است. با این حال در گزارش مذکور به تحولات صورت گرفته در این خصوص اشاره‌ای نشده است. همچنین انتظار می‌رود که تهیه کنندگان گزارش به سایر موارد مرتبط همچون مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی نیز توجه نمایند.

فصل چهارم: وضعیت مرگ‌ومیر و سلامت در ایران

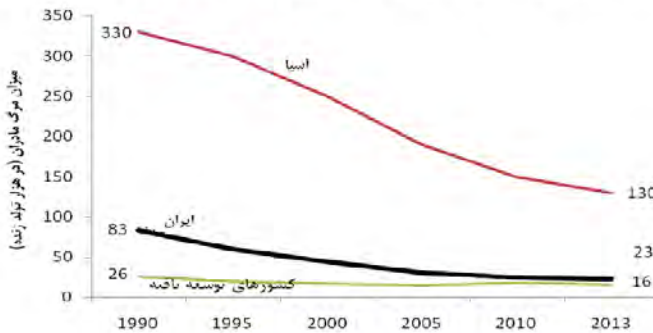
۱۲- در صفحه ۸۲ علایم و اختصارات (legend) نمودار ۴-۳ مشخص نشده و برای مخاطب معلوم نیست که خط روندها متعلق به کدام گروه و چه کشوری است.

نمودار ۴-۳. مقایسه میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال ایران با گروه‌های با توسعه انسانی پایین و بالا، ۲۰۱۳-۱۹۸۰



۱۳- در صفحه ۸۳ گزارش در نمودار ۴-۴ از عبارت «مرگ و میر مادران زیر پنج سال» استفاده شده است. (آیا مادر زیر پنج سال هم داریم؟) این عبارت در گزارش سال ۱۳۹۵ نیز عیناً در صفحه ۵۵ آمده است و در گزارش سال ۱۳۹۶ بدون دقت و بازنگری مجدداً منتشر و رونمایی شده است.

نمودار ۴-۴. روند میزان مرگ و میر مادران زیر ۵ سال ایران و مقایسه با گروه کشورهای دنیا، ۲۰۱۳-۱۹۹۰



منبع: گزارش WHO، ۲۰۱۴

۱۴- در صفحه ۸۷ گزارش درباره «شاخص نقص رشد کودکی» آمده است: «این شاخص برای پایش تحقق هدف CI از اهداف توسعه هزاره و رصد کردن مداخلات و اجرای سیاستهای جمعیتی ابلاغی مقام معظم رهبری ... به کار برده می‌شود» در صفحه ۸۹ و در بخش پیشنهادهای سیاستی نیز تکرار شده است که «به عنوان معیاری برای ارزیابی عملکرد و ضرورت‌های کشوری، اول باید اهداف توسعه هزاره مرتبط با سلامت محقق گردد». شایان ذکر است که دیگر سندی به نام توسعه هزاره وجود ندارد که برای تحقق اهداف آن نیاز به

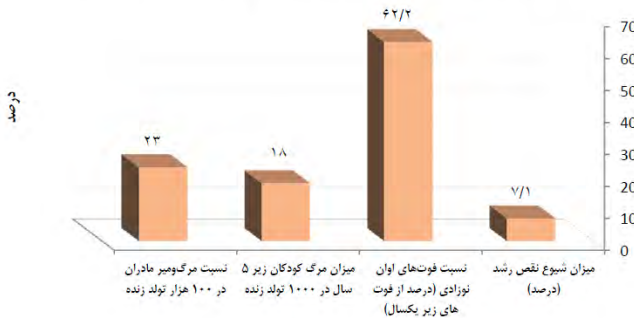
تهیه گزارش باشد. زیرا اهداف توسعه هزاره برای دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ طراحی شده بود و هم اکنون زمان آن به پایان رسیده و همانطور که می‌دانیم سند توسعه پایدار از سال ۲۰۱۵ جایگزین آن شده است. پس چگونه هنوز هم تهیه کنندگان گزارش به دنبال دستیابی به اهداف توسعه هزاره می‌باشند؟

در هر حال، به نظر می‌رسد که مطالب این گزارش حداقل چهار پنج سال پیش نوشته شده و در اشکال مختلف منتشر شده و در این گزارش نیز مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.^۱ همچنین باید اشاره شود که اگر هدف تهیه کنندگان گزارش، رصد سیاست‌های کلی جمعیت است که در سال ۱۳۹۳ ابلاغ شده است، پس چطور از آمارهای سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰) برای این منظور استفاده شده است؟ مگر نه این است که سیاست‌های کلی جمعیت باید اجرا شود و بعد برای رصد آنها به آمارهای جدید اشاره نمود؟ این نکته نشان‌دهنده این واقعیت است که تهیه کنندگان گزارش نهایی زحمت به روز کردن مقالات قدیمی را نیز به خود نداده‌اند.

وضعیت مرگ‌ومیر و سلامت در ایران □ ۸۷

هدف CI از اهداف توسعه هزاره و نیز رصد کردن مداخلات و اجرای سیاست‌های جمعیتی ابلاغی مقام معظم رهبری خصوصاً بند ۴ که بطور مشخص به بهداشت باروری و فرزندآوری، و بند ۶ که ارتقاء امید زندگی و تأمین سلامت را مورد هدف قرار داده‌اند، به کار برده می‌شود.

نمودار ۴-۷. وضعیت سلامت و مرگ و میر کودکان در ایران، سال ۲۰۱۰



همچنین، در صفحه‌های شماره ۵۵-۵۷ گزارش سال ۱۳۹۵ نیز از آمارهای سال ۱۳۸۰ برای تبیین مواضع استفاده شده، همچنین برای نمودار ۳-۴ در صفحه ۵۵ از آمارهای سال ۲۰۱۴ بهره برده، در حالیکه آمارهای سال ۲۰۱۵ در زمان تهیه گزارش به راحتی در دسترس بوده-

^۱ - احتمالاً نویسندگان هر فصل از مطالب کارهای گذشته‌شان برای این گزارش استفاده نموده‌اند.

است. با چه توجیهی از آمارهای قدیمی در تهیه گزارش تحولات جمعیتی سالانه استفاده شده است.

فصل پنجم: مهاجرت داخلی و شهرنشینی در ایران

۱۵- این فصل مستخرج از گزارش «مهاجرت و شهرنشینی در ایران» می‌باشد که با حمایت دانشگاه تهران و صندوق جمعیت سازمان ملل در سال ۱۳۹۲ انجام و تا کنون به شکل‌های مختلف منتشر شده است. این فصل همچنین در گزارش تحولات و وضعیت جمعیتی در جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵ و نیز گزیده آن در گزارش «بررسی مسائل جمعیتی نوظهور ایران» در سال ۱۳۹۴ منتشر شده بود.

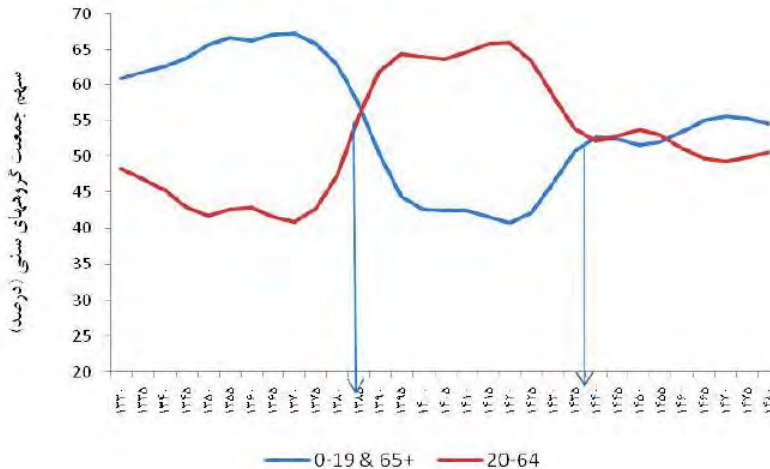
شایان ذکر است که کلیه جداول موجود در این فصل مربوط به آمارهای سال ۱۳۹۰ می‌باشد و در تحلیل‌ها هیچ گونه ردپایی از سرشماری سال ۱۳۹۵ مشاهده نمی‌شود. جای تعجب است که برای تبیین وضعیت جمعیت جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۶ علی‌رغم وجود داده‌های بسیار جدید برای تحلیل، به علت شتابزدگی از این داده‌ها استفاده نشده است.

فصل ششم: ایران در بستر مهاجرت‌های بین‌المللی

۱۶- این فصل در گزارش تحولات و وضعیت جمعیتی در جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۵ عیناً منتشر شده بود. در گزارش جدید فقط به یکی از جداول یک ستون درباره توزیع مهاجران خارجی در ایران از آمار سال ۱۳۹۵ اضافه شده است و برای بقیه مطالب فصل از آمارهای سال ۱۳۹۰ استفاده شده است. هرچند که بعد از انتشار نتایج سرشماری ۱۳۹۵ از سوی مرکز آمار ایران، تهیه‌کنندگان به منظور افزایش کیفیت گزارش، مطالب و فصول را برای نویسندگان ارسال و از آنها خواسته‌اند که بر این اساس اطلاعات فصول به روز رسانی و در ویرایش جدید بکار رود، اما جز در موارد محدود استفاده از نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ به چشم نمی‌خورد.

فصل هفتم: تغییرات ساختار سنی جمعیت، پیامدها و الزامات سیاستی آن

۱۷- در صفحه ۱۴۹ در نمودار ۷-۴ از نسبت جمعیت گروه‌های عمده سنی در ایران نام برده شده است. لازم به ذکر است که گروه‌های عمده سنی مطابق تعریف‌های استاندارد شامل سه گروه ۱۴-۰ سال، ۶۴-۱۵ سال و ۶۵ سال و بیشتر است. در حالیکه در ترسیم نمودار از گروه‌های سنی ۱۹-۰ سال، ۶۴-۲۰ سال و ۶۵ سال و بیشتر استفاده شده است.



۱۸- در صفحه ۱۵۳ گزارش در جدول ۷-۲، بدون بررسی و صحت آمارهای بین‌المللی، از این آمارها برای تبیین مسائل سالمندی ایران در سال ۱۳۹۵ به بعد استفاده شده است. همچنان که مشاهده می‌شود، تعداد سالمندان بالای ۶۰ سال برای سال ۱۳۹۵ حدود ۶٫۵ میلیون نفر ذکر شده است که حدود یک میلیون نفر از تعداد افراد بالای ۶۰ سال در سرشماری ۱۳۹۵ انحراف دارد (کمتر است). گزارشی که برای تحولات جمعیتی در سال ۱۳۹۶ تهیه می‌شود، باید با آمارهای سال ماقبل آن که اتفاقاً سال سرشماری نیز بوده است، همخوانی داشته باشد. این نقیصه به این بر می‌گردد که تهیه‌کننده این فصل از گزارش، از کم شماری تعداد سالمندان در برآوردهای ۲۰۱۵ سازمان ملل که مورد قبول مسئولین سازمان ملل نیز می‌باشد، مطلع نبوده است. بنابراین محاسبات جدول فوق با مشکل مواجه است.

جدول ۷-۲. شمار جمعیت سالمندان ۶۰ ساله و بیشتر در برش‌های سنی اوان سالمندی تا پیری، کل کشور، ۱۴۳۰-۱۳۹۵

سن و سال	۱۳۹۵	۱۴۰۰	۱۴۰۵	۱۴۱۰	۱۴۱۵	۱۴۲۰	۱۴۲۵	۱۴۳۰
+۶۰	۶۵۰۱/۶	۸۲۲۵/۷	۱۰۳۵۷/۲	۱۲۷۴۵/۲	۱۵۲۵۱/۳	۱۸۸۶۶/۰	۲۴۰۷۵/۵	۲۸۷۵۴/۰
+۶۵	۴۰۰۳/۸	۵۲۱۶/۰	۶۷۶۳/۲	۸۶۰۰/۷	۱۰۵۹۷/۳	۱۲۶۳۸/۰	۱۵۷۱۸/۶	۲۰۳۱۰/۸
+۸۰	۷۳۳/۲	۸۰۲/۰	۸۴۳/۷	۱۰۳۹/۴	۱۵۹۵/۲	۲۱۸۹/۲	۲۸۴۰/۶	۳۵۳۵/۸
+۱۰۰	۰/۵	۰/۸	۱/۲	۱/۵	۲/۰	۲/۵	۳/۰	۴/۶

مأخذ: پیش‌بینی‌های جمعیتی چشم انداز جمعیت جهان، نسخه ۲۰۱۵.

- در جدول تعداد جمعیت شهری برابر با ۵۹۱۴۶۸۴۷ و جمعیت روستایی برابر با ۲۰۷۳۰۶۲۵ و جمع کل برابر با ۷۹۹۲۶۲۷۰ (هزار نفر) ملاحظه می‌شود، درحالیکه جمع جمعیت شهری و روستایی ذکر شده در جدول برابر با ۷۹۸۷۷۴۷۲ است. به عبارت دیگر، هنگامی که جمعیت شهری را با روستایی جمع می‌کنیم، با جمع کل جدول یکسان نیست.
- جدول جمعیت کشور را در سال ۱۳۵۵ برابر با ۳۲۳۷۰۹ هزار نفر (معادل ۳۲۳ میلیون نفر) نشان می‌دهد، اما در توضیح جدول، جمعیت کشور معادل ۳۳۷۰۸ هزار نفر (معادل ۳۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر) عنوان می‌شود.
- جمعیت شهری، روستایی و جمع کل برای سال ۱۳۹۵ با مقیاس نفر و جمعیت برای سایر سالها با مقیاس هزار نفر آورده شده‌است. توضیح اینکه، احتمالاً این جدول تا سال ۱۳۹۰ قبلاً تهیه شده و در هنگام افزودن داده‌های سال ۱۳۹۵ همسان‌سازی مقیاس داده‌ها با مقیاس جدول فراموش شده‌است.^۱
- جمعیت سال ۱۳۵۵ به جای ۶۰۰۵۵ هزار نفر ۶۰۰۵۴ هزار نفر ذکر شده‌است.
- جمعیت سال ۱۳۶۵ به جای ۴۹۴۴۵ هزار نفر ۴۹۴۵۴ هزار نفر ذکر شده‌است.
- در جدول جمعیت روستایی سال ۱۳۷۵ معادل ۲۳۲۳۸ هزار نفر ذکر شده‌است، در حالیکه مطابق نتایج سرشماری سال ۱۳۷۵ جمعیت روستایی برابر ۲۳۰۲۶ هزار نفر می‌باشد.
- علی‌رغم استفاده از آمار سالهای ۱۳۸۵ و ۱۳۹۵، این سالها در مآخذ جدول قید نشده‌است.
- نرخ رشد جمعیت روستایی برای سال ۱۳۹۰ معادل ۰/۶۲- و برای سال ۱۳۹۵ معادل ۰/۷۳- است، در حالیکه با نگاهی به نتایج سرشماری (جدول زیر) این رقم به ترتیب معادل ۰/۶۳- و ۰/۶۸- می‌باشد.
- نرخ رشد جمعیت در سال ۱۳۹۰، معادل ۱/۲۸ درصد ذکر شده‌است، در حالیکه این رقم طبق گزارش مرکز آمار ایران برابر با ۱/۲۹ درصد است.

^۱- پس از چندین بار ویرایش و رفع اشکال، میزان قصور و سهل انگاری در تهیه گزارش قابل تامل است.

۱- تغییرات جمعیت در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵^(۱)

متوسط رشد سالانه (درصد)	افزایش دوره ^(۲)		جمعیت	سال
	نسبی (درصد)	مطلق		
				کل
۱/۲۹	۶/۶	۴۶۵۳۸۸۷	۷۵۱۴۹۶۶۹	۱۳۹۰
۱/۲۴	۶/۴	۴۷۷۶۶۰۱	۷۹۹۲۶۲۷۰	۱۳۹۵
				نقاط شهری
۲/۱۴	۱۱/۱۶	۵۳۸۶۶۹۷	۵۳۶۴۶۶۶۱	۱۳۹۰
۱/۹۷	۱۰/۳	۵۵۰۰۱۸۶	۵۹۱۴۶۸۴۷	۱۳۹۵
				نقاط روستایی
-۰/۶۳	-۳/۱	-۶۸۴۳۱۸	۲۱۴۴۶۷۸۳	۱۳۹۰
-۰/۶۸	-۳/۳	-۷۱۶۱۵۸	۲۰۷۳۰۶۲۵	۱۳۹۵

(۱) جمعیت غیر ساکن در جمعیت کل لحاظ شده است.

۲۲- مطالعه و پایش مستمر فعالیت‌های منتشر شده، نشان دهنده جهت‌گیری دوگانه است. از یک‌سو؛ سیاست‌های کلی جمعیت را جامع، علمی و مطابق با شرایط کشور دانسته و به متن سیاست‌های کلی جمعیت اشاره می‌شود و از سوی دیگر به شکل‌های مختلف و با عنوان گزارش‌های کارشناسی و علمی سعی در ایجاد تردید در اتخاذ سیاست‌ها و اثربخشی آنها داشته‌اند. از گزاره‌هایی که در گزارش ایجاد تردید می‌نمایند، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود. در صفحه ۱۷۸ گزارش آمده است: «بایستی منابع و مصارف آب بررسی شود تا بر مبنای آن بتوان، سیاست‌های جمعیتی مناسبی را اتخاذ کرد» در صفحه ۱۹۹ نیز می‌خوانیم «در صورت عدم اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب جمعیتی، این فرایند می‌تواند به از هم گسیختگی اجتماعی و عدم تامین نیازهای غذایی منتهی شود» همچنین در صفحه ۱۶۸ نوشته شده «در حال حاضر توجه و نگرانی اصلی مدیران و سیاست‌گذاران کشور بیشتر به رشد جمعیت و فاز سالخوردگی جمعیت است»

۲۳- در صفحه ۱۶۹ گزارش به صراحت آمده است: «در ادبیات جمعیت و محیط زیست، رشد جمعیت و تحولات آن از مهمترین عوامل تخریب محیط زیست به شمار می‌رود». به نظر می‌رسد، از میان مبانی نظری موجود در این رابطه (همانطور که در صفحه ۱۷۱ گزارش نیز آورده شده است) نویسندگان گزارش دیدگاه مالتوس را انتخاب و محور بحث‌های خود قرار داده‌اند. باید توجه داشت که این نظریه مربوط به حدود ۲۰۰ سال

پیش(۱۷۹۸) می‌باشد و نقدهای بسیاری بر آن وارد شده است که بسیاری از آن نقدها را مالتوس در اواخر عمر خود پذیرفته بود.

در نقد نظریه مالتوس نخست باید توجه داشت که انسان فقط مصرف کننده نیست و به طور متوسط می‌تواند دو برابر زمان مصرف، (یعنی دو سوم عمر خود) تولید کننده باشد.

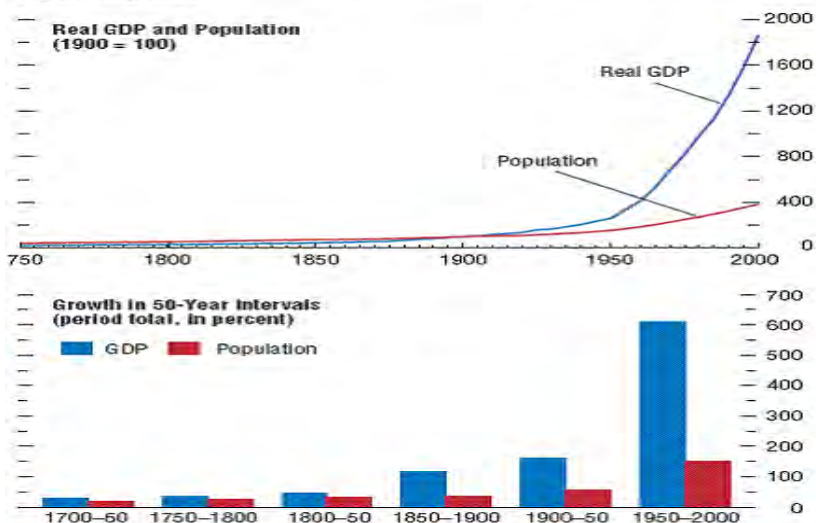
دوم اینکه؛ رشد مواد غذایی بیش از رشد افزایش جمعیت بوده است. اگر کمبود غذا ایجاد شده بود جمعیت نیز تا به این حد رشد نمی‌کرد. بنابراین، هم منابع غذایی در طول زمان افزایش پیدا کرده، هم خود انسان به محدودیت‌ها غلبه پیدا کرده است.

سوم اینکه فرض مالتوس این است که با افزایش نیروی انسانی، همه عوامل (فناوری، سرمایه و منابع طبیعی) ثابت می‌مانند. در حالیکه با افزایش جمعیت در همه این عوامل، تغییرات عمده‌ای رخ داده‌است. از اینرو، این تئوری با ورود بازده فرایند به مقیاس و افزایش سطح تکنولوژی و در نتیجه افزایش بهره‌وری از واحدهای ثابت موضوعیت خود را از دست داد. بنابراین مسئله اصلی در مدیریت اقتصادی ریشه دارد نه اندازه جمعیت.

در اثبات اینکه، تئوری مالتوس دیگر موضوعیت خود را از دست داده است، و رشد تولید در صد سال گذشته، بیش از ۵ برابر جمعیت رشد داشته است، توجه به نمودار زیر مناسب است. نمودار زیر تغییرات GDP و جمعیت جهان از سال ۱۷۰۰ تا سال ۲۰۰۰ را نشان می‌دهد. با توجه به تغییرات تکنولوژی و بهره‌وری نیروی کار، رشد GDP چندین برابر رشد جمعیت، بوده‌است.

Figure 5.1. World GDP and Population Since 1750

During the twentieth century both output and population growth increased. However, as a result of accelerating technical progress, output growth increasingly exceeded population growth.



Source: Bradford J. DeLong, "Estimating World GDP, One Million B.C.—Present." Available via the internet at: <http://econ161.berkeley.edu>.

همانطور که در قسمت بالای نمودار ملاحظه می‌شود، رشد کل تولید ناخالص داخلی در قرن بیستم، بیش از ۵ برابر رشد کل جمعیت، می‌باشد.

بنابراین، دیدگاه ضد جمعیتی مالتوس بر کسی پوشیده نیست. حال اگر در این گزارش هم، فقر را ناشی از رشد جمعیت دانسته باشند، در این صورت باید بیش از اجرای سیاستهای جدید جمعیتی نظام، که بدنبال رشد کمی و کیفی جمعیت است، باید همانند گذشته و مغایر با سیاست‌های نظام در حال حاضر، بر استمرار سیاستهای کنترل جمعیت تاکید کنند و آن را به طور آشکار اعلام نمایند. از طرفی اگر رابطه افزایش رشد جمعیت و فقر در ایران، به اثبات رسیده باشد، هیچ سیاستگذاری نباید، سیاست‌های افزایش رشد جمعیت را پی بگیرد.

در صفحه ۱۷۲، برای اثبات اینکه افزایش جمعیت باعث فقر می‌شود، اینگونه آمده‌است: «تغییرات جمعیت یکی از پیشران‌های عمده موثر بر تحولات اجتماعی اقتصادی و محیط زیستی است... این پیشران‌ها به صورت چرخه‌های معیوب افزایش جمعیت، فقر و تخریب محیط زیست عمل می‌کنند»

پس از پذیرش این فرضیه که جمعیت باعث فقر می‌شود، نمودار ۸-۱ را با دایره فقر شروع و چرخه معیوب فقر و تخریب محیط زیست را انعکاس داده و تاکید شده است، که این پدیده

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و فقیر به خوبی مشهود است و اظهار داشته است «مصادیق متعددی از این چرخه را در بسیاری از مناطق ایران نیز می‌توان مشاهده کرد»

نمودار ۸-۱. چرخه معیوب فقر و تخریب محیط زیست



برنامه ریزی کشور، ۱۳۹۴، مستندات برنامه ششم توسعه "محیط زیست"

سوال این است، که اگر ایران با مساله فقر دست به گریبان است، و برای حل آن باید رشد جمعیت را کاهش دهد، چرا تهیه کنندگان گزارش خود را مدافع سیاستهای جدید جمعیتی می‌دانند که با هدف افزایش باروری به بیش از سطح جانشینی تنظیم شده است؟ و چرا در ابتدای این گزارش سیاستهای کلی جمعیت را قرار داده‌اند؟

در ضمن مشابه همین استدلال در صفحه ۱۷ گزارش سال ۱۳۹۵ نیز وجود داشته‌است: «صاحب‌نظران توسعه بر این باورند که اولین گام در کاهش فقر کشورها، کاهش رشد جمعیت است و این گام باید مبنای همه استراتژی‌های توسعه قرار گیرد». در همین صفحه از گزارش سال ۱۳۹۵، برای اینکه وجود فقر در کشور را اثبات کنند، (کاهش رشد جمعیت = کاهش فقر) به ارقام فقر مطلق و نسبی در سالهای ۱۳۷۸-۱۳۶۳ (مطالعه‌ای که حدود ۲۰ سال پیش انجام شده است) اشاره می‌شود. همچنین در ادامه مطلب آمده‌است: «در طول دوره برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۸-۱۳۸۴) پیش‌بینی می‌شود که خط مطلق و نسبی فقر در مناطق شهری به ترتیب ۱۳ درصد و ۱۹ درصد و در مناطق روستایی به ترتیب به ۲۵٫۵ درصد و ۳۲ درصد باشد (اطهاری، ۱۳۸۴: ۱۱۵)». بکار بردن واژه «پیش‌بینی» برای زمان گذشته، نیز نشان می‌دهد که برای تهیه گزارش، مطالعه جدیدی صورت نگرفته و تنها به مطالعات قبلی که برای تبیین برنامه چهارم توسعه انجام شده است (حدود ۱۵ سال پیش) اکتفا شده است.

۲۴- در صفحه ۱۷۱ گزارش از نظریه «پل ارلیش» برای تبیین موضوع افزایش جمعیت و محدودیت منابع استفاده شده است. لازم به ذکر است که از این نظریه برای تبیین و اهمیت کنترل جمعیت برای نخبگان جامعه و سیاستگذاران در دهه ۷۰ و ۸۰ استفاده می‌شد. حال این سوال در ذهن خطور می‌کند که چطور می‌توان از نظریه پل ارلیش که چرخه جمعیت زیاد، غذای کم و تخریب محیط زیست را بیان می‌کند، برای تبیین سیاست های جدید جمعیتی استفاده کرد.

۲۵- در مورد آب نیز در صفحه ۱۷۷ تا ۱۷۹ گزارش چنین القاء می‌شود که ایران با محدودیت شدید آب روبروست و هیچ اشاره‌ای به الگوی نادرست مصرف و مدیریت آن نشده است. آنهایی که بر محدودیت منابع آبی تاکید می‌کنند و یا به افزایش تقاضای آب به علت رشد جمعیت اشاره دارند، به طور طبیعی همچنان کنترل جمعیت را در دستور کار خود دارند. در حالیکه هم اکنون نزدیک به ۹۵ درصد منابع آبی ایران به مصرف کشاورزی و صنعت می‌رسد و نزدیک به ۵ درصد آب را مردم برای شرب و بهداشت مصرف می‌کنند. بنابراین، اینگونه استدلال‌ها هیچگونه هماهنگی با سیاستهای بالادستی کشور ندارد. در صفحه ۱۸۰ فرض شده است که اگر «متوسط حجم کل آب سالانه کشور رقم ثابتی باشد، [۱۳۰ میلیارد متر مکعب] تقاضا برای آب به علت رشد جمعیت، توسعه کشاورزی، شهرنشینی و صنعت در خلال سالهای اخیر، متوسط سرانه آب قابل تجدید کشور را تقلیل می‌دهد، بطوری که این رقم در سال ۱۳۴۰ حدود ۱۳۴۰ مترمکعب بود، در سال ۱۳۵۷ به حدود ۳۴۰۰، در سال ۱۳۶۷ به حدود ۲۵۰۰ و در سال ۱۳۷۶ به حدود ۲۱۰۰ متر مکعب کاهش یافته است. این میزان با توجه به روند افزایش جمعیت کشور با نرخ رشد فعلی جمعیت در سال ۱۴۰۰ به حدود ۱۳۰۰ مترمکعب تنزل خواهد یافت.»

توضیح اینکه تا سال ۱۳۷۶ محاسبات درست است. اما به نظر می‌رسد که آمارهای این بخش مربوط به ۲۰ سال پیش باشد. چون برای بعد از سال ۱۳۷۶ سرانه‌ای اعلام نشده است. همچنین این استدلال که «با نرخ رشد فعلی جمعیت در سال ۱۴۰۰ به حدود ۱۳۰۰ متر مکعب تنزل خواهد یافت» به نظر نادرست است. چرا که اگر جمعیت ایران در سال ۱۴۰۰ به ۱۰۰ میلیون برسد، او متوسط حجم کل آب سالانه کشور مطابق فرض گزارش رقم ثابتی باشد [آب قابل تجدید ایران به ۱۳۰۰ متر مکعب تنزل خواهد یافت. حال آیا واقعا در ۴ سال آینده جمعیت ایران به ۱۰۰ میلیون خواهد رسید؟ یعنی طی ۴ سال ۲۰ میلیون به جمعیت کشور اضافه خواهد شد؟ نگاهی به پیش‌بینی‌های جمعیتی مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که جمعیت ایران برای سال ۱۴۰۵ حداکثر حدود ۸۷ میلیون نفر است. به طور خلاصه باید

گفت، کسانی که معتقدند ایران دچار بحران آب است بطور طبیعی نتیجه می‌گیرند که افزایش جمعیت می‌تواند، منجر به اتفاقات خطرناکی شود.

۲۶- در صفحه ۱۷۰ گزارش آمده است: « طرفداران افزایش جمعیت معتقدند که رشد جمعیت می‌تواند به توسعه اقتصادی منجر شود و از اینرو تامین غذا برای جمعیت نیز به راحتی امکان پذیر خواهد بود. منطق این فرضیه بر این مبنا استوار است که به هر طریقی فرمول سحرآمیزی پیدا خواهد شد که هر فردی در آینده وضعیت بهتری خواهد داشت»

در این مورد لازم است؛ آنتی‌ناتالیست‌های (طرفداران کنترل جمعیت) کشورمان را که در تبیین موضوع جمعیت به نظریات ضد جمعیتی مالتوس و پل ارلیش متوسل می‌شوند، به نظر بردگان جایزه نوبل اقتصاد در ادوار مختلف به شرح ذیل معطوف نماییم.

تاثیر جمعیت بر اقتصاد		
دیدگاه	عنوان	نظریه پرداز
بهترین عامل تحرک و تکامل اقتصاد «نرخ باروری انسانی» است	برنده نوبل اقتصاد در ۱۹۷۰	ساموئلسون
رشد جمعیت، عامل رشد طبیعی اقتصاد است	اقتصاددان انگلیسی	هارود
وجود یک نرخ رشد مثبت جمعیت، برای فرایند رشد اقتصادی ضروری است	برنده نوبل اقتصاد در ۱۹۸۷	سولو
کارایی نهایی سرمایه با نرخ رشد جمعیت برابر است	برنده نوبل اقتصاد در ۲۰۰۶	فلپس
همبستگی معناداری بین «جمعیت بالاتر» و «درآمد سرانه پایین تر» وجود ندارد	برنده نوبل اقتصاد در ۱۹۷۱	کوزنتس
با کنترل جمعیت، رشد اقتصادی کنترل و محدود می‌شود.	برنده نوبل اقتصاد در ۱۹۷۲	آرو
این که با گسترش درآمد و قدرت خرید خانوار (افزایش امکانات انتخاب) تعداد بیشتری فرزند مورد تقاضای خانواده ها قرار بگیرد درست نیست.	برنده نوبل اقتصاد در ۱۹۹۲	بکر

در این زمینه مطالعات زیر نیز مورد توجه است:

نتایج	دوره	محقق
اثر منفی افزایش نسبت وابستگی و رشد جمعیت بر پس انداز و رشد اقتصادی	۱۹۷۰-۲۰۰۳	عبداله الباطل ۲۰۰۵
تاثیر منفی نسبت وابستگی و تاثیر مثبت پس انداز بر تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی	۱۹۷۰-۲۰۰۳	آن جون ۲۰۰۶
اثرات مثبت رشد جمعیت بر رشد تولید ناخالص داخلی	۱۹۷۲-۲۰۰۰	حسین ۲۰۰۹
اثرات مثبت نسبت وابستگی	۱۳۳۸-۱۳۷۹	سوری و کیهان ۱۳۸۲
اثرات مثبت جمعیت بر سن کار بر تولید ناخالص ملی	۱۳۳۸-۱۳۸۱	عرب مازار و کشوری ۱۳۸۴
اثرات مثبت رشد جمعیت بر نرخ رشد اقتصادی در کشورهای کم درآمد و کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب	-	شرکا ۱۳۸۴
رشد جمعیت به عنوان عامل مثبت در رشد اقتصادی در ۲۰۰ سال اخیر در کشورهای توسعه یافته	-	سیمون کوزنتس
تاکید بر رابطه مستقیم نرخ رشد تولید و بازدهی نیروی کار در رشد اقتصادی	-	اسمیت، سالو و مید، شومپتر و هانس
تاکید بر تاثیر مثبت نرخ رشد جمعیت بر رشد اقتصادی	۱۳۹۰	مهدی احراری

فصل «جمعیت، منابع و محیط زیست» دقیقاً توجیه کننده عملکرد دست اندرکاران اصلی کنترل جمعیت در دهه شصت بود که منجر به کاهش ۷۰ درصدی میزان باروری ایران در دو دهه شده است که تا به حال چنین رکوردی در تاریخ ثبت نشده است و اکنون کاهش سریع باروری به زیر سطح جانشینی از اهمیت مباحث کنترل جمعیت کاسته است، اما به دلیل حضور این افراد در عرصه‌های قدرت، هنوز بر این مبانی فکری اصرار دارند.

خاتمه

در ابتدای این بررسی اشاره شد که این نقد اجمالی است، چرا که اشکالات گزارش بیشتر از موارد اشاره شده است و نقد تفصیلی آن در این مقال نمی‌گنجد و فرصت دیگری را می‌طلبد. برای نمونه در صفحه ۶۳ گزارش سال ۱۳۹۶ گزاره «نتایج آخرین سرشماری کشور (مرکز آمار ایران ۱۳۹۴)» به چشم می‌خورد. یا در صفحه ۵۶ گزاره «در شکل ۱ ملاحظه می‌شود» وجود دارد، اما در صفحه بعد «نمودار ۳-۱» مشاهده می‌شود.

همچنین در صفحه ۲۲ گزارش سال ۱۳۹۵، از نمودار ۱-۱ و در صفحه ۵۴ گزارش، از نمودار شماره ۳ نام برده شده، اما اثری از این نمودارها در گزارش مشاهده نمی‌شود. آیا گزارشی با این اهمیت نباید یک بار توسط تعداد انبوه حمایت‌کنندگان و تهیه‌کنندگان گزارش مرور می‌شد. اشکالاتی از این دست در سرتاسر گزارش فراوان به چشم می‌خورد و نیاز به اصلاح و بازنگری جدی دارد.

با توجه به اینکه این گزارشها ممکن است، مبنای تصمیم‌گیری مسئولان و تهیه برنامه‌ها (کوتاه و بلند مدت) باشد، لازم است؛ اولاً حاوی آمار و ارقام موثق، به روز و تحلیل صحیح و بدون اشکالات شکلی، محتوایی و اغلاط املائی تهیه شود. ثانیاً می‌بایست، در راستای سیاستهای کلی نظام نگاشته شود. در حالیکه در گزارش «بررسی تحولات و وضعیت جمعیت در جمهوری اسلامی ایران» در سال ۹۵ و ۹۶ چنین رویکردی ملاحظه نمی‌شود.

فقدان چنین رویکردی در گزارش مذکور را می‌توان به اختلاط ناشی از دو قلمرو نسبتاً ناسازگار «خلق دانش» و «کاربرد دانش» نسبت داد. عدم تمایز بین این دو قلمرو به درک مغشوشی از نقش و سهم جمعیت‌شناس در حل مسائل اجتماعی منتهی می‌شود. جمعیت‌شناس می‌تواند درباره میزان باروری، چرایی و چگونگی سالخوردگی جمعیت و الگوی مهاجرت و... حساسیت‌هایی را در سیاستگذار ایجاد نماید، اما تصمیم‌گیری و نحوه کاربرد عملی، تصمیمی سیاسی است. هر چه جمعیت‌شناس بیشتر به دنیای سیاستگذاری متمایل می‌شود، احتمال ناکامی در خلق دانش افزایش می‌یابد. میرزایی و عسگری‌ندوشن (۱۳۸۵) درباره گرایش جمعیت‌شناسان به مطالعه سیاست‌های جمعیتی اشاره می‌کنند که «ورود جمعیت‌شناسان به مباحث سیاست‌های جمعیتی، از یک سو سبب شد، تا به پشتوانه حمایت مالی بنیادهای فراملیتی، نظیر بنیاد فورد، راکفلر و نهادهایی که در سطح بین‌المللی فعالیت داشتند، نظیر آژانس توسعه ایالات متحده و صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، بودجه هنگفتی به فعالیت‌های علمی و پژوهشی جمعیت‌شناسی اختصاص یابد، ولی از سوی دیگر، استقلال و بیطرفی آن از نظر سیاسی بیش از پیش تضعیف شد».

از اینرو، در میان جمعیت‌شناسان این تفاهم عمومی حاصل شده است که تقسیم کار شدیدی باید بین تحقیق و فعالیت‌های علمی مرتبط با آن و رفتار (مهندسی اجتماعی) ناظر به تکوین و پیاده کردن سیاستها برقرار شود. البته منظور این نیست که جمعیت‌شناسان به عنوان شهروند نظر خود را درباره مسائل جاری اعلان نکنند یا در جهت حل مشکلات مشارکت نکنند، بلکه منظور این است که وظیفه آنان بیشتر پی‌گیری و دستیابی به دانش است تا تعیین سیاستها، اداره برنامه‌ها و حل مشکلات (سرای، ۱۳۶۸) بنابراین، در یک نگاه کلی این گزارش در راستای وظایف ذاتی جمعیت‌شناسان تدوین نشده‌است.

لازم به ذکر است که تهیه اینگونه گزارش‌ها معمولاً بر عهده مرکز آمار یک کشور است. این مراکز به عنوان تنها و معتبرترین مراکز تولید داده در کشورهای مختلف دنیا براساس فرایندهای استاندارد شده عمل می‌کنند. گزارش‌های علمی در این مراکز توسط کارشناسان متخصص و آموزش دیده تمام وقت تولید و پس از انجام مراحل متعدد بازبینی، کنترل و منتشر می‌شوند. اگر چه از متخصصین علمی خارج از مرکز آمار نیز می‌توان در مراحل نهایی بازبینی گزارشها بهره برد، ولی واگذاری تهیه گزارشهای ملی، از نوع گزارش مورد بررسی معمولاً به نیروهای قراردادی (پروژه‌ای) برون سازمانی سپرده نمی‌شود، چرا که واجد مسئولیت‌پذیری علمی و اخلاقی لازم و کافی برای تدوین یک گزارش دقیق و به‌روز علمی نیستند.

در پایان می‌توان گفت: به دلیل وجود ایرادات متعدد اساسی، این گزارش قابل اتکا نبوده و برای استفاده از آن در برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها باید جانب احتیاط را رعایت کرد. امید است که تهیه‌کنندگان اصلی گزارش بدون حب و بغض، با بهره‌گیری از این انتقادات نسبت به اصلاح، به‌روز رسانی و رفع ابهامات، نسخه جدید را منطبق با سیاستهای کلی جمعیت‌بازبینی نمایند. در غیر اینصورت همانگونه که در پیش‌درآمد گزارش آمده است: «در صورت اجرا نه تنها مفید و موثر نخواهد بود، بلکه به فجایعی غیرقابل جبران منتهی خواهد شد».

منابع

- خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا (۱۳۹۳) اجرای «سیاست‌های کلی جمعیت؛ راه حل چالش‌های جمعیتی» مورخ ۱۳۹۳/۷/۶.
- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۶) «در شش ماهه امسال ۶۵۰ هزار شغل ایجاد کردیم» ۱۳۹۶/۹/۲۰.
- سرایی، حسن (۱۳۶۸) موضوع و منزلت جمعیت‌شناسی، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره ۲.
- عباسی‌شوازی، محمدجلال و میرزایی، محمد (۱۳۹۴) گزارش وضعیت جمعیت در جمهوری اسلامی ایران.
- عرفانی، امیر (۱۳۹۲) باروری در ایران و شهر تهران: میزانها، روندها و تفاوت‌ها، فصلنامه مطالعات جمعیتی، سال اول، شماره اول.
- کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۸) مبانی جمعیت‌شناسی، مرکز مطالعات و پژوهشهای جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۳) گزارش آخرین تحولات آمارهای جمعیتی در کشور با تاکید بر شاخص‌های باروری.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۳) رصد سیاستهای کلی جمعیت از نگاه آمار.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) چکیده نتایج طرح آمارگیری نیروی کار.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) سالنامه آماری کشور.
- موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور (۱۳۹۵) بررسی تحولات و وضعیت جمعیت در جمهوری اسلامی ایران.
- موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور (۱۳۹۶) تحولات و وضعیت جمعیت در جمهوری اسلامی ایران.
- میرزایی، محمد و همکاران (۱۳۸۲) بررسی و تحلیل مسائل و چالشهای جمعیتی ایران و پیامدهای آن، کمیسیون جمعیت و چالش‌های اجتماعی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران.
- میرزایی، محمد و همکاران (۱۳۸۵) گزارش کشوری جمعیت و توسعه در ایران، طرح مشترک انجمن جمعیت‌شناسی ایران با پروژه صندوق جمعیت در دانشگاه تهران.

- میرزایی، محمد و عسگری ندوشن، عباس (۱۳۸۵) برنامه های توسعه، رویدادهای سیاسی بین الملل و جهت گیری مباحث جمعیت شناسی در قرن بیستم، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال یکم، شماره ۱.

- Shylock Henry S. & Siegel Jacob S. (۱۹۷۱) The Methods and Materials of Demography, Washington D.C: U.S. Bureau of the Census.
- United Nations Population Division (UNPD). 2018. World Population Prospects: 2017 Revision. United Nation: New York. <https://www.compassion.com/multimedia/world-population-prospects.pdf> (Accessed September 8, 2018).